

## زنان، تجدد و بهداشت نوین در آستانه تشکیل دولت مدرن بررسی رویکرد مجله عالم نسوان به بهداشت زنان

بهاره صفائیان\*

توران طولابی\*\*

### چکیده

یکی از رهاوردهای تجدد در فرهنگ بهداشت و پزشکی ایران، ارائه خوانشی ناسوتی از بهداشت و تلاش برای درمان بیماری از همان رهگذر بود. به واسطه مرگ و میر مادر و کودک به عنوان یکی از دلایل کاهش جمعیت، بهداشت زنان در عصر قاجاری در کانون توجه قرار گرفت. با انتشار روزنامه‌هایی توسط زنان در اواخر دوره قاجاری، مسئله بهداشت مورد توجه روزنامه‌نگاران زن قرار گرفت. *عالم نسوان* (۱۳۱۱-۱۲۹۹) از روزنامه‌هایی بود که واکاوی آن بر محور مسئله بهداشت زنان و براساس الگویی توصیفی - تحلیلی هدف پژوهش حاضر است. نتایج پژوهش حاکی از آن است، حجم قابل توجهی از مقالات مرتبط با بهداشت زنان در این مجله، بیانگر نوعی تحول نگرش از ناآگاهی به تنانگی زن به ضرورت بسط مفهوم آن با توسل به پزشکی مدرن است. نویسندگان مجله با تأکید بر اهمیت پیشگیری و درمان بیماری، ضرورت جایگزینی پزشکی نوین با طبابت سنتی، نقد خرافه‌گرایی و بسط عقل‌گرایی و پزشکی نوین با الهام از تجربه‌های کشورهای غربی، جهت ارتقای سطح آگاهی بهداشتی زنان گام برداشتند. از این منظر، *عالم نسوان* رامی‌توان نماینده تفکری دانست که در صدد رخنه در ساختار و گزاره‌های سنتی مسلط بر نگرش به زن بود و می‌کوشید، افق نوینی بگشاید که در آن زنان به بهداشت دانش و آگاهی بیشتری پیدا کنند.

**کلیدواژه‌ها:** عالم نسوان، تجدد، بهداشت، روزنامه‌نگاری، پزشکی.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد، تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه لرستان، bahareh.safaiean@gmail.com

\*\* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)، toolabi.t@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

## ۱. مقدمه

در همان زمانی که ستاره‌ی عمر دولت قاجاری روی در افول نهاده بود، روزنامه‌نگاری زنان در ایران نخستین مراحل تکوینش را می‌پیمود. روزنامه‌نگاری ابزاری فراروی زنان نهاد تا از جهان اندرونی به درآیند و در جهت تحقق نیازهای جدیدی گام بردارند که همچون بهداشت، بیماری‌شناسی و تنانگی<sup>۱</sup> پیام‌آور یک تحول گفتمانی در حوزه‌ی فرهنگ اجتماعی بود. این زنان که عمدتاً از طیف تجددگرای جامعه بودند، با انتشار روزنامه در جهت گذار از نگرش سنتی به مقوله‌ی بیماری و بهداشت به نگرشی گام برداشتند که بر شناخت بدن، بیماری‌های زنان و پیشگیری از آنها تأکید داشت. در این میان، طیفی از زنان با انتشار روزنامه‌هایی مانند دانش و شکوفه بخت خویش را برای ورود به عرصه‌ی روزنامه‌نگاری و طرح مباحث و نگاه‌های جدید در حوزه‌ی آموزش و بهداشت آموذند. موضوع پژوهش حاضر بهداشت زنان است که با تکیه بر مقالات نشریه‌ی *عالم نسوان* واکاوی می‌شود. پرسش محوری آن عبارت است از آن که محتوای مجله‌ی *عالم نسوان* تا چه اندازه می‌تواند ما را به درک تحول نگرش زنان به مقوله‌ی بهداشت و پزشکی در ایران اواخر عهد قاجاری رهنمون شود. انتخاب نشریه‌ی *عالم نسوان* برای این پژوهش از منظر نمایندگی یک نگرش زنانه به موضوعات و مسائل اجتماعی و فرهنگی و هم به واسطه‌ی مقطع چاپ این روزنامه یعنی پایان دوره قاجاری و ابتدای دوره‌ی پهلوی اول موجه به نظر می‌رسد.

موضوع این پژوهش تاکنون توجه دو گروه از محققان را برانگیخته است؛<sup>۲</sup> گروه نخست مقوله‌ی روزنامه‌نگاری زنان را از زاویه‌ی کلی بررسی کرده‌اند.<sup>۳</sup> با وجود این، مجله‌ی *عالم نسوان* به طور مستقل موضوع هیچ‌یک از این پژوهش‌ها نبوده است. دوم، پژوهشگرانی که به موضوع بهداشت زنان در دوره‌ی پایانی قاجاریه و دوره‌ی پهلوی اول پرداخته‌اند. در نوشته‌های این گروه از محققان نیز عمدتاً رویکرد سیاسی بر رویکرد فرهنگی و بهداشتی سایه افکنده است. این نگرش در سال‌های اخیر با جلوه‌گری پژوهش‌هایی با محوریت مسائل خرد و نه کلان تغییراتی را تجربه کرده است. در این میان کتاب و مقاله‌های بهزاد کریمی با نگرشی واکاوانه، دقیق و روشمند الگویی مناسب را پیش رو قرار داده و در میان پژوهش‌های فارسی جایگاه ممتازی را برای خود رقم زده است.<sup>۴</sup> جز این رساله‌ی دکتری آفرین توکلی و نیز مقاله‌ای از او وجه دیگری از گفتمان پزشکی عصر پهلوی را پوشش داده است.<sup>۵</sup> البته در زمینه‌ی بیماری‌های عمومی پژوهش‌های صورت گرفته است که عمدتاً به معرفی اقدامات دولت مرکزی برای مقابله با بیماری‌های

عمومی به نگارش در آمده‌اند.<sup>۶</sup> وانگهی رویکرد متجددانه‌ی زنان در روزنامه‌ها موضوع چند پژوهش بوده است که در کنار شماری از روزنامه‌های زنان، *عالم نسوان* نیز بررسی شده است.<sup>۷</sup> اما در میان پژوهش‌های غیرفارسی بی‌شک فیروزه کاشانی ثابت جایگاه چشم‌گیری دارد.<sup>۸</sup>

وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات یادشده آنجاست که کوشیده است ضمن تمرکز بر نشریه‌ی *عالم نسوان* که خود برگی از تاریخ روزنامه‌نگاری زنان ایرانی در دوره معاصر است، تحولی گفتمانی در نگرش‌زنان به مقوله‌ی بهداشت و پزشکی را نشان کند. افزون بر این، در پژوهش حاضر که به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده، کوشش شده است مقوله‌هایی مانند تکاپوی روزنامه‌نگاران زن - به صورت مشخص نویسندگان *عالم نسوان* - برای ارتقای آگاهی زنان درباره‌ی بهداشت، ستیز با خرافه‌گرایی، تغییر مفهوم قابلیت به پرستاری، و ضرورت توجه دولت در سطح قانون‌گذاری به ازدواج و بهداشت واکاوی شود.

## ۲. زنان و درک از پزشکی نوین در عرصه‌ی روزنامه‌نگاری

روند گذار دانش پزشکی در اروپا از گفتمان مبتنی بر طب جالینوسی به پزشکی نوین از قرن شانزدهم میلادی آغاز شد و در سده‌ی نوزدهم جلوه‌ی آشکارتری یافت. از زمانی که در اروپا علمی چون کیهان‌شناسی از سیطره‌ی اندیشه‌ی یونانی و نیز دستگاه الهیات کلیسایی بیرون آمد، راهی هم برای عبور دانش پزشکی از چنبره‌ی طب جالینوسی هموار شد (Magner, 2005: 198-250). در ایران، تجربه‌ی گذار از طب سنتی و مواجهه با مفهومی متجدد از پزشکی و بهداشت در دوره‌ی قاجاری رقم خورد. تجدد همزاد انقلاب علمی بود که در سایه‌ی آن خرد ناسوتی، فردی و نسبی انسان جای خرد «مطلق و بیکران ملکوتی» را می‌گرفت (میلانی، ۱۳۷۸: ۱۰). از این رو در ایران نیز اگر همچون غرب زمینه‌ای برای تجلی انقلاب علمی فراهم نبود، دست‌کم جلوه‌هایی از تلاش برای بروز آن عیان شد.

از همان زمان که نخستین *کاروان* معرفت در جمادی‌الثانی ۱۲۳۰/ آوریل ۱۸۱۵ راهی اروپا شد و از جمله اهداف اصلی ارسال آن یکی نیز یادگیری و انتقال دانش جدید پزشکی بود، مواجهه‌ی جدی طب سنتی ایران با پزشکی نو آغاز شده بود. هرچند این نخستین *کاروان* معرفت دست‌کم در حوزه پزشکی دست‌آورد معینی نداشت (نک. محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۱/۱۳۷-۱۳۰؛ نوایی، ۱۳۷۷: ۲/۲۵۲-۲۵۸)، رواج تدریجی آموزش به سبک غربی

به ویژه در میان طیفی از اشراف، شاهدگان و اقلیت‌های دینی، تأسیس نهادهای آموزشی جدید و در رأس آنها دارالفنون و نیز ظهور بیمارستان‌های جدید، زمینه‌ی چیرگی گفتمان پزشکی نوین بر طب سنتی را فراهم کرد (نک. محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۲۵۳-۲۸۳؛ ناطق، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۲۰۸؛ Ebrahimmijad, 2014: 49-120).<sup>۹</sup> آموزش علوم جدید از جمله پزشکی مدرن در صدر برنامه‌های نوسازی دولت قاجاری قرار گرفت و در دوره‌ی صدارت امیرکبیر تلاش‌هایی چون تأسیس «مریض‌خانه‌ی دولتی»، قرار «تصدیق اطبا» و یا «قانون آبله‌کوبی» جهت بهبود بهداشت عمومی و فردی صورت گرفت تا گسست از جهان طب سنتی و جوه عینی داشته باشد (آدمیت، ۱۳۷۸: ۳۳۲-۳۴۴).

ضرورت تأسیس بیمارستان از آغاز شکل‌گیری روزنامه‌نگاری زنان به‌عنوان موضوعی مهم مطرح بود. شکوفه ضرورت جمع‌آوری زنان «مجنون و کاشف‌العوره» را یکی از استدلال‌هایی برشمرده است که در پس ضرورت تأسیس بیمارستان است. همچنین «حجب و حیای» زنان در توضیح بیماری خود برای همه ایجاب می‌کند که بیمارستانی تأسیس شده تا زنان با مراجعه به اطباء و پرستاران زن به درمان بیماری خود پردازند (شکوفه، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۳۳۳، ص ۳-۴). از سوی دیگر، مرگ‌ومیر چشم‌گیر مادران و کودکان که عامل مهمی در کاهش جمعیت در دوره‌ی قاجاری بود، ضرورت توجه به مقوله‌ی بهداشت زنان را در کانون توجه قرار داد. مرگ‌ومیر و کاهش جمعیت، پیامد عواملی چون ضعف سیاست‌های بهداشتی، بیماری‌های واگیر چون وبا، طاعون، تیفوس، قحطی، فقر، موقعیت نابسامان زنان و بارداری پرخطر آنها دانسته شد و از این منظر، سلامت زنان می‌توانست کلیدی برای فهم جهت‌گیری‌های جمعیتی و افزایش طول عمر زنان و کودکان باشد. مسئله بهداشت و ضرورت تدوین سیاستی برای مدیریت جمعیت زمینه شکل‌گیری یک آگاهی و خواست جمعی برای تغییر شرایط بهداشتی زنان فراهم کرد که از آن با عنوان جنبش بهداشتی<sup>۱۰</sup> یاد شده است (KashaniSabet, 2006: 1-2, 7).

مواجهه با تجدد، مسائل زنان را به مثابه‌ی یک بایسته مهم در کانون توجه برخی از کارگزاران سیاسی و نیز طیفی از نخبگان جامعه قرار داد. با این که جلوه‌هایی از حضور و فعالیت سیاسی و اجتماعی زنان در رخدادهایی چون جنبش تنباکو گزارش شده است، در واقع از انقلاب مشروطه به بعد بود که زمینه‌ی حضور جدی زنان در عرصه‌ی اجتماعی فراهم شد. این حضور با طرح مطالبات و مسائل نوی همراه بود که روزنامه‌ها یکی از تجلی‌گاه‌های آن بود. افزون بر موضوع زنان که در این دوره بیشتر مدنظر قرار گرفت،

اهمیت فرد و زندگی او موضوعی بود که تجدد به همراه آورد (میلانی، ۱۳۷۸: ۶۲). موضوعیت یافتن زن و فردیت زنانه می‌توانست نقطه‌ی عزیمتی برای محوریت دادن به تنانگی زن و مسئله‌ی بهداشت و پزشکی مرتبط با آنان باشد.

در میان مسائل زنان ایرانی در دوره‌ی قاجاری، دو مسئله‌ی جدی بیشتر مورد توجه روزنامه‌نگاران زن قرار گرفت؛ نخست، نبود و یا کمبود امکانات بهداشتی چون بیمارستان، بهداری و پزشکان آموزش دیده‌ی جدید؛ و دوم، نبود آگاهی در جامعه و آسیب‌هایی که از این زاویه جامعه‌ی زنانه را تهدید می‌کرد. مطبوعات زنان گام‌هایمینی جهت رفع این مسائل برداشت. مجله‌ی *عالم نسوان* یکی از این نشریات بود که در هر دو عرصه مقاله‌های زیادی در آن منتشر شد. این مجله در آخرین سال قرن سیزدهم هجری (۱۲۹۹/۱۹۲۰) در تهران به صاحب‌امتیازی نوابه صفوی و زیر نظر مجمع دانش‌آموختگان مدرسه‌ی عالی آمریکایی منتشر شد (*عالم نسوان*، سال اول، شماره اول، ۱۲۹۹، صص ۱-۴) نویسندگان *عالم نسوان* در شماره‌ی نخست، هدف از انتشار مجله خود را «تعاون در تعالی و ترقی نسوان و تشویق آنان به خدمت به خانواده و حسن اداره‌ی امور بیتی» بیان کرده و تأکید کردند که این نشریه «ابداً قصد انتشار اخبار سیاسی ندارد». مجله هر دو ماه یک بار چاپ می‌شد و مقرر شده بود که در هر «نمره» از آن مقالاتی به قلم «یکی از اطباء مشهور و مجرب دارالخلافة» و صرفاً به قصد چاپ در این مجله نگاشته شود. بدین ترتیب، گردانندگان مجله‌ی *عالم نسوان* کوشیدند تا با رویکردی «غیرسیاسی» به سراغ مسائل مختلف، از جمله بهداشت زنان بروند. بررسی واکاوانه‌ی این مجله حاکی از بروز عینی دو مشخصه برای آگاهی‌بخشی به جامعه‌ی زنانه است؛ نخست، حتی‌المقدور ارائه‌ی راهکارهایی برای پیشگیری از بیماری؛ دوم، آموزش چگونگی مقابله با بیماری و زدودن ذهنیت‌های سستی همچون خوددرمانی و تأکید بر ضرورت داشتن آگاهی و مراجعه به پزشک حاذق.

### ۳. رویکرد *عالم نسوان* به مقوله‌ی بیماری‌های زنان

یکی از مسائلی که در روزنامه‌نگاری جدید مورد توجه قرار گرفت، بیماری‌های مقاربتی زنان بود. پیشینه‌ی آشنایی ایرانیان با بیماری‌های مقاربتی از جمله سیفیلیس اوایل دوره‌ی صفویه می‌رسد. طبق گزارش پولاک، تلقی ایرانیان عصر قاجاری از سیفیلیس نه یک بیماری مسری و خطرناک، بلکه بیماری عادی بود و بالطبع برای پیشگیری از آن تلاشی

صورت نمی گرفت؛ امری که سبب شده بود دامنه‌ی شیوع بیماری به کودکان هم برسد (پولاک، ۱۳۳۸: ۴۷۷). ترجمه آثار غربی با محوریت بیماری‌های مقاربتی به ویژه سیفیلیس سبب شد تا این بیماری‌ها در کانون توجه قرار گیرد. ترجمه‌های ابوالحسن خان تفرشی و مطالب روزنامه‌ی *ناصری و مظفری* در این زمینه آغاز تلاش‌هایی بود که این بیماری‌ها را در کانون توجه قرار داد (KashaniSabet, 2006: 14, 17).

روزنامه‌نگاری زنان بخشی از فعالیت‌هایی بود که زنان برای تعریف جایگاه حقوقی و اجتماعی خود در پیش گرفته بودند. این روزنامه‌ها به نوبه‌ی خود باعث شدند تا بازناندیشی از زندگی زنان، تنانگی آنان و ارتباط مستقیم آن با مسائل حقوقی و امکانات بهداشتی مطرح شود. در همین راستا، زنان با مطالباتی چون ضرورت بسط پرستاری و مامایی به شیوه‌ی مدرن و با تکیه بر ضرورت اخذ تحصیلات برای این حوزه‌ها در این مطبوعات فعالیت خود را آغاز کردند.<sup>۱۱</sup>

نتیجه ناگزیر توجه به بهداشت زنان، به‌ویژه از دریچه بیماری‌های مقاربتی، این بود که این جنس نیز به کانون گفتمان بهداشتی وارد شد و سیاست رسمی نیز آن را در معرض توجه قرار داد. تأسیس بیمارستان، درمانگاه، زایشگاه و مراکز مرتبط با تربیت ماما و جایگزینی آنان با قابله‌های سنتی جلوه‌هایی از این تغییر نگرش بود که نقش روزنامه‌های زنان در تبلیغ و ترویج ضرورت آن را نباید دست‌کم گرفت. طبعاً بهداشت نوین از جهات مختلفی به تغییر در کیفیت زندگی زنان منجر می‌شد. از یک سو به طول عمر آنان بیفزاید و امید به زندگی را افزایش دهد و از سوی دیگر با تأکید بر ضرورت بهداشت زنان این امکان را فراهم آورد تا موضوع عموماً ممنوعی مانند ازدواج زنان به عرصه عمومی کشیده و نگرش‌های سنتی به آن نقد شود. یکی از مسائلی که آسیب ازدواج را از منظر بهداشتی می‌توانست کاهش دهد، طرح مسئله‌ی سلامت و در کانون توجه قرار دادن آن برای امر ازدواج بود.

در دوره مشروطه و با تصویب قانون بلدیة زمینه‌ای ایجاد شد تا انجمن بلدیة درمانگاه‌هایی را در سطح تهران افتتاح کند که به بیماری‌هایی چون سیفیلیس هم رسیدگی شود. گزارش‌ها حاکی از آن بود که ۲۲۰ مورد از این بیماری در درمانگاه‌های سطح تهران معالجه شده است.<sup>۱۲</sup> بازتاب این موضوع را در مجله شکوفه هم می‌بینیم (شکوفه، سال اول، شماره ۱۲، ص ۳). در مجله‌ی *عالم نسوان* هم تلاش شده است تا با معرفی این بیماری گامی جهت آگاه‌سازی زنان برداشته شود. این موضوع به‌ویژه در

خطاب به آن دسته از زنان مبتلا که قصد فرزندآوری داشته باشند اهمیت بیشتری می‌یابد. در همین راستا، نویسندگان مجله به کرات به والدین توصیه کرده‌اند که نخست از سلامت و بهداشت و به صورت مشخص در مورد بیماری سیفیلیس مطمئن باشند و سپس اقدام به بارداری کنند (عالم نسوان، سال اول، شماره ۱، صص ۷-۹). نویسندگان مجله به این اکتفا نکرده و با نهادن گامی فراتر، به والدین هشدار داده‌اند که پیش از موافقت با ازدواج دخترانشان از مبتلا نبودن مرد به بیماری سیفیلیس و سوزاک اطمینان حاصل کنند. پیشنهادی هم که در مجله مطرح می‌شود، مراجعه‌ی مردان به پزشک پیش از موافقت با ازدواج دختران است تا شاید بتوانند از میزان این خطر بکاهند (عالم نسوان، سال اول، شماره چهارم، صص ۱۰-۱۲).<sup>۱۳</sup>

طبعاً آگاه کردن مخاطبان از پیامدهای بیماری‌های مقاربتی نیازمند معرفی این بیماری‌ها بود. به این منظور، مقالاتی به معرفی علائم این بیماری‌ها، علل سرایت و مراحل سه‌گانه‌ی آغاز، شیوع و بروز آن را از منظر علم پزشکی توضیح داده است. وانگهی مجله ضمن برشمردن علائم این بیماری در هر کدام از سه مرحله، به تأثیر آن بر کودکان نیز اشاره کرده و نوشته است از هر صد کودک متولدشده از مادران مبتلا به سیفیلیس، هفتاد نفر پیش از بلوغ از بین می‌رفتند. ضمن این که عمده‌ی کسانی که زنده هم می‌مانند به بیماری‌های جدی گرفتار می‌شدند (عالم نسوان، س ۱، ش ۲، ص ۷).<sup>۱۴</sup>

واکاوی مقالات مجله عالم نسوان بیانگر آن است که پیشگیری و درمان دو رویه‌ی رویکرد این مجله به بیماری‌های زنان است. معرفی داروی نئوسالوارسن (Neosalvarsan) که برای مقابله با بیماری سیفیلیس کشف شده است، ناظر به مسئله‌ی ضرورت توجه به مسئله‌ی درمان آن هم با محوریت پزشکی مدرن است. بر همین اساس تجربه‌ی کشورهای اروپایی می‌تواند به این نگاه کمک کند تا محوریت درمان، در وجه مدرن کلمه بیشتر آشکار شود. در یکی از مقالات به تجربه‌ی در شهر وین اشاره شده است که برای مراقبت از مادران مبتلا به امراض مقاربتی به ویژه سیفیلیس، اقداماتی چون تجزیه‌ی خون آنها، مراقبت‌های رایگان و راهکارهایی برای مراقبت از مادر و فرزند از جمله جلوگیری از انتقال بیماری به نوزادان در پیش گرفته‌اند (عالم نسوان، سال دهم، شماره پنجم، صص ۲۳۸-۲۳۹).

تقاضا از نمایندگان مجلس جهت تصویب قانونی برای ضرورت اخذ تصدیق سلامت و عدم ابتلا به بیماری‌های مقاربتی پیش از ازدواج، تلاشی ناظر به پیشگیری از سوی

نویسندگان این مجله بود که تأکید داشتند زنان «مصائب» بیماری‌هایی چون سیفلیس و سوزاک را به دوش می‌کشند (عالم نسوان، سال دوازدهم، شماره پنجم، صص ۱۹۶-۱۹۸). تجربه کشور ترکیه که با ظهور مصطفی کمال آتاتورک در مسیر متفاوتی از تجدد قدم گذاشته بود، از دید نویسندگان این مجله مغفول نمانده است. در برخی شماره‌ها اقدامات ترکیه در کنار کشورهای اروپایی، به مثابه‌ی الگویی مطرح شده است که می‌تواند برای تحول نظام بهداشتی و حتی حقوقی مرتبط با زنان مدنظر قرار بگیرد. در یکی از شماره‌ها، به تصویب قانونی در ترکیه مبنی بر ضرورت انجام معاینه‌ی پزشکی پیش از ازدواج اشاره شده است (عالم نسوان، سال ششم، شماره ششم، ص ۲۷). چندین سال بعد و در آذرماه ۱۳۱۷ قانونی شش ماده‌ای مبنی بر ضرورت ارائه‌ی گواهینامه‌ی سلامت از پزشک پیش از ازدواج به تصویب رسید (روستایی، ۱۳۸۲: ۱/ ۷۹-۸۰).

مسئله دیگری که در زمینه‌ی بهداشت زنان در مجله‌ی عالم نسوان بازتاب یافته است، مسئله‌ی سن ازدواج زنان بود. تا این زمان ازدواج کودکان با مردهای مسن امر چندان غریبی نبود (کولیور رایس، ۱۳۸۳: ۷۸). یکی از نویسندگان مجله مقاله‌ای با عنوان «مضرات مزاجت در عهد صباوت»، از ازدواج دختران در سن پایین با عنوان «بزرگ‌ترین فجایع و فاحش‌ترین ظلم‌ها» یاد کرد که حتی نقش مشخصی در عقب ماندن ایرانیان از «ملل متمدنه» داشته است. شرایط جسمی، ابتلاء به بیماری‌های مختلف، نداشتن آزادی، از دست دادن اراده و استقلال از جمله مسائلی است که به باور نویسنده‌ی این مقاله ازدواج زودهنگام برای زنان در پی دارد. بنابراین مجله‌ی عالم نسوان بر روی سن شانزده یا هفده سال به عنوان شرط ازدواج در قالب‌های متعددی تأکید کرده است؛ امری که توجه به آن در دیگر روزنامه‌های زنان هم قابل پیگیری است (عالم نسوان، سال سوم، شماره ششم، صص ۶-۷؛ جمعیت نسوان و وطنخواه ایران، سال اول، شماره ۱۷-۲۳). از این رو یادآوری تجربه‌ی کشورهای دیگر در این زمینه می‌توانست نقش جدی در طرح این مسئله داشته باشد. در مقاله‌ای اقدام هند در تعیین سن قانونی هفده سال برای ازدواج به مثابه‌ی یک «ترقی» در آنجا تلقی شد که به نوعی می‌تواند آینه‌ای در برابر ایرانیان باشد (عالم نسوان، سال هشتم، شماره سوم، ص ۹۶). این گونه مقالات نویسندگان مجله را هم می‌توان ناظر بر محوریت مسئله‌ی پیشگیری در نگرش آنها دانست.

رویکرد مجله مبتنی بر پیشگیری درباره‌ی مادران باردار هم جلوه یافته است و بر این اساس دستوراتی بهداشتی-تغذیه‌ای جهت سهولت زایمان از جمله ورزش، خواب کافی،



مصرف آب و میوه و پوشیدن لباس مناسب ارائه داده است. نویسندگان تأکید کرده‌اند که زنان باردار باید با مشاهده‌ی برخی علائم به پزشک مراجعه کنند؛ علائمی که نویسندگان آنها را برمی‌شمارند. افزون بر این، نویسندگان به صورت مکرر بر این موضوع تأکید می‌کنند که پزشک هم باید از میان تحصیلکردگان جدید باشد. آنها می‌کوشند زنان را آگاه و ترغیب کنند که به جای «پیرزن‌ها و خاله‌زن‌ها» به پزشک حاذق مراجعه کنند (عالم‌نسون، سال هفتم، شماره اول، ص ۴۰؛ سال دوم، شماره پنجم، صص ۵-۶).<sup>۱۵</sup>

اما این نکته را نباید نادیده گرفت که با وجود اهمیت مسئله درمان در مجله، همچنان این پیشگیری است که در کانون توجه نویسندگان این مجله قرار دارد. بر همین اساس برخی نویسندگان از این دریچه به موضوع نگرسته‌اند که باوجود کشف دارو، باید مراقبت‌های پیش از گرفتاری به بیماری جدی گرفته شود و از آن غافل نماند. جز این که بحث درباره‌ی پیشگیری، سطح آگاهی را هم می‌توانست بالا ببرد، برای برخی از بیماری‌ها از جمله سوزاک هنوز دارویی هم کشف نشده بود. از این رو مبتلایان به این بیماری حاصلی جز «تحمل دردهای شدید و نتایج آن» برای زنان نداشت (عالم‌نسون، س ۱، ش ۴، صص ۱۱-۱۰). بدین ترتیب تمرکز بر روی مسئله‌ی پیشگیری بیشتر در این مجله نمایان است. نویسنده‌ی یکی از مقالات، از این بیماری بهره می‌گیرد تا گریزی به سنت‌هایی بزند که در جامعه وقت رایج بود و آن دقت در ازدواج دختران است. طرفه این که نویسنده بر ضرورت توجه بیشتر والدین در «انتخاب شوهر برای دختران» تأکید کرده است؛ نکته‌ای که به هر حال بر حول محور پیشگیری می‌چرخید (عالم‌نسون، س ۱، ش ۲، ۱۲۹۹، ص ۸).<sup>۱۶</sup> اما واقعیت جامعه‌ی آن زمان چیز دیگری بود. در جامعه‌ی آن زمان تعداد زنانی که با مسئله‌ی «انتخاب» نسبتی داشته باشند اندک بود. وانگهی از میان آنان هم شمار کسانی که به بیماری‌های مقاربتی و ضرورت حفظ بهداشت در ازدواج آگاهی داشته باشند آن‌قدر نبودند که بتوانند در ازدواج دخترانشان بر این نکته پافشاری کنند. از سوی دیگر، در صورت داشتن چنین درکی هم، سطح بهداشت آنقدر مترقی و رشدیافته نبود که توقع بهداشت در سطوح بالا را از جامعه‌ی مردانه داشت. یعنی حتی این سطح آگاهی در خانواده‌ی دختران وجود داشت دشوار می‌شد در جامعه مردانی را یافت که بتوانند خواست این خانواده‌ها مبنی بر داشتن تصدیق‌نامه‌ی سلامت و بهداشت را برآورده کنند.

#### ۴. عوامل ذهنی بیماری: جهل و خرافه‌گرایی

ذهنیت غیرعلمی و باورهای خرافی بر حیات اجتماعی ایران عصر قاجاری سایه انداخته بود. این مسئله به واسطه عوامل مختلفی که یکی از مهم‌ترین آنها به حاشیه رانده شدن زنان بود، زندگی این بخش از جامعه را بیشتر متأثر کرده بود. هانری رنه دالمانی، سیاح فرنگی، خرافه‌گرایی را امر شایعی در میان ایرانیان عصر قاجاری دانسته بود (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۴۴). یکی از جلوه‌های تجدد تأکید بر نگرشهای علمی و ستیز با خرافه‌گرایی بود. مواجهه علمی با مسائل و معضلات اجتماعی و جستجوی علل زمینی برای آنها دستاورد تجدد غربی بود که در ایران نیز توجه برخی اندیشه‌وران متجدد را برانگیخت (میلانی، ۱۳۷۸: ۵۴). در این میان، آمیختگی زندگی زنان ایرانی عصر قاجاری با خرافات و اوهام موضوعی بود که از دید زنان روزنامه‌نگار دور نماند و آنان در مقاله‌های خویش کوشیدند این مسئله را واکاوی کنند. *عالم نسوان* یکی از مجلاتی بود که تلاش ویژه‌ای در این زمینه به کار گرفت و نویسندگان آن آمیختگی اوهام و خرافات با مسئله بهداشت را در زندگی زنان به باد انتقاد گرفتند.

نویسنده یکی از مقالات از گسترش خرافات در میان زنان شهری در مقایسه با زنان روستا و ایلات ابراز نگرانی کرده و آن را یکی از «سرچشمه‌های بدبختی» نامیده است. نویسنده‌ی مقاله به «کرامات قبور، مشایخ، پرستش درخت و سنگ، ساعات سعد و نحس و یا دعانویسی» ایراد گرفته و به نوعی بر تأثیر آن بر نگرش این زنان به بهداشت هم پرداخته است. وجود چنین نگرشی سبب شده است زنان گاهی حتی تا زمان فرارسیدن «ساعات سعد» از انجام امور بهداشتی چون گرفتن ناخن و رفتن به حمام هم خودداری می‌کنند (*عالم نسوان*، سال اول، شماره ۲، صص ۲۳-۲۵؛ شماره ۳، صص ۳۵-۳۷). نویسنده در پایان این پرسش را طرح می‌کند که با چنین زنانی چگونه می‌توان متوقع بود با مسیر «تمدن» طی شود. به داوری وی با چنین وضعیتی، ضروری است وزارت علوم و معارف با توسعه‌ی سواد در آگاهی‌بخشی این زنان گام بردارد (*عالم نسوان*، سال دوم، شماره ۲، صص ۳۸-۴۰).

البته این موضوع امر رایجی در جامعه‌ی عصر قاجاری بود و والدین به واسطه ناآگاهی بیماری کودکان را به «چشم شور» نسبت می‌دادند و طبیعتاً به جای درمان به برطرف کردن «طلسم» متوسل می‌شدند (فلور، ۱۳۸۶: ۱۲۵). این موضوع به‌حدی در فرهنگ نفوذ کرده بود که برخی روزنامه‌نگاران نبود «حفظ‌الصحه» را به «جهل و نادانی» و «عنناد، خرافات و تعصب در خرافات پرستی» نسبت داده‌اند و به آن نقش محوری داده‌اند (جمعیت *نسوان*

وطنخواه/ایران، سال اول، شماره اول، ۱۳۰۲، ص ۱۵). گزارش‌هایی وجود دارد که زنان از آبله‌کوبی فرزندان‌شان هم به دلیل پابندی به برخی اعتقادات هم خودداری می‌کردند. برای نمونه گفته شده برخی زنان مرگ‌ومیر نزدیکان خود را به این اقدام نسبت می‌دادند، ازین‌رو از آن خودداری می‌کردند و یا با تردید به سراغ آن می‌رفتند (شکوفه، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۳۳، صص ۱-۲). البته ناگفته نماند جز خرافه‌گرایی عواملی چون دسترسی نداشتن به پزشک، استیصال خانواده‌ها و یا ناآگاهی به اصول بهداشتی هم از دیگر عواملی بود که به توسل به تقدیر و طلسم تأثیرگذار بود (حاتمی، ۱۳۹۵: ۱۰۵-۱۰۶).

بنابراین از دیگر مجراهایی که از طریق آن نویسندگان مجله به جهل و ناآگاهی زنان می‌شورند، بی‌اعتمادی آنان به داروهای غربی و در نتیجه متوسل شدن به اطبای خانگی است. برخی زنان بر این باور بودند که پس از بیماری نباید تا چند روز به طبیب مراجعه کرد و یا اصولاً باید در منزل به معالجه‌ی بیماری پرداخت (شکوفه، سال سوم، شماره ۶، صص ۱-۲). همین سبب شده است تا مراجعه به پزشکان جدید کمتر شود و این راهکاری جز تلاش برای نشر «تعلیم عمومی و علم و معرفت» ندارد (عالم‌نسوان، سال چهارم، شماره اول، صص ۱۲-۱۵). قاعدتاً وقتی بیگانگی با غربی‌ها زیاد نباشد، می‌شود از پیشرفت‌های پزشکی آنها بیشتر بهره‌مند شد. از این رو نویسندگان مجله تلاش می‌کنند تا گزارش‌هایی از پیشرفت‌های علم پزشکی درباره‌ی زنان و بیماری‌های زنانه ارائه دهند و این پزشکی مدرن و دستاوردهای آن باشد که در کانون توجه قرار گیرد (عالم‌نسوان، سال ششم، شماره دوم، ص ۱۰). به عنوان نمونه در یکی از شماره‌ها به دستاوردهای پزشکی در عمل جراحی برای وضع حمل زنان در غرب اشاره شده است تا برخی از زنانی که دچار مشکل جدی جسمی هستند از آن روش برای فرزندآوری استفاده کنند. نویسنده توضیح داده است که چگونه با استفاده از این روش وضع حمل زنان تسهیل می‌شود. از این رو پزشکی نوین باید جایگزین طبابت سنتی و ذهنیت‌هایی شود که با پزشکی مدرن میانه‌ای ندارد و صرفاً بر خرافات دامن می‌زند (عالم‌نسوان، سال نهم، شماره دوم، ص ۷۶).

میزان بالای مرگ و میر مادر و کودک، زمینه‌ی توجه بیشتری به مقوله‌ی زایمان و رعایت مراتب بهداشتی و پزشکی را در کانون توجه قرار داد. از یک سو رویکرد نویسندگان این مجله عرضه‌ی مطالعات و دستاوردهای پزشکی مدرن بود، از سوی دیگر تلاش می‌شد تا قابله‌های سنتی و «خرافات و موهومات» تنیده در عملکرد آنها به نقد کشیده شود. مسئله‌ی زایمان زنان و دوره‌ی بارداری آنها در روزنامه‌ی شکوفه که از نخستین روزنامه‌های زنان

بود هم در کانون توجه قرار گرفت و به شرایط زنان در این دوره در ایران پرداختند (شکوفه، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۳۳، ص ۲). نویسندگان در مجله‌ی *عالم نسوان* به کرات خاطرنشان کرده‌اند که قابله‌ها بهداشت و نظافت زنان را در حین وضع حمل رعایت نمی‌کنند و از همین دریچه به نکوهش آنها پرداخته‌اند. از دید آنان ماجرا وقتی شیوه‌ی ناخوشایندتری به خود می‌گیرد که علائم خطرناکی چون افزایش تب زنان در حال زایمان به وجود جن نسبت داده می‌شود (*عالم نسوان*، سال چهارم، شماره ششم، صص ۹-۱۵). حتی در یکی از شماره‌ها، نویسندگانی ضرورت «ورود به تجدد» برای مبارزه با خرافات و موهومات را عنوان کرده است، زیرا زنان اگر باورمند به موهومات و خرافات باشند به فرزندان خود هم منتقل می‌کنند. این مادران از «غول بیابانی» و «دیو شاخ‌دار» برای فرزندان خود سخن می‌گویند و این نشانه‌ای از «بربریت» به شمار می‌رود که علت‌اش «فقدان علم و معرفت» است. نویسنده در نهایت چنین نتیجه گرفته است که برای مبارزه با این وضعیت باید با «جنبش اخلاقی، علمی و ادبی» پیش رفت (*عالم نسوان*، سال چهارم، شماره ششم، صص ۲۵-۲۷). در مقاله‌ی دیگری نویسنده با یادآوری اقداماتی چون «تأسیس مرخص‌خانه‌ی مجانی» و پرستاری از بیماران و یا مخترعانی چون ماری کوری در میان زنان اروپایی، به وضعیت همراه با موهومات و خرافات زنان تأسف خورده است که به دنبال اموری چون فال‌گیری، قاشق‌زنی و آیین‌بینی رفته‌اند. وقتی زنان همچنان «طیبیان خانگی» را در درمان بیماری فرزندان خود در اولویت قرار می‌دهند، یعنی فاصله‌ی زیادی با تغییر نگرش زنان و آشتی آنان با پزشکی مدرن وجود دارد. بد نیست قسمتی از این مقاله را برای روشن‌تر شدن موضوع نقل کنیم: «زنان ایران باید بدانند که این کارها جز مزخرفات چیزی بیش نیست و باعث عقب‌ماندگی ما از مردان و زنان جهان گشته است (*عالم نسوان*، سال پنجم، شماره ششم، صص ۳۶-۳۸).

به باور نویسندگان این مقالات، مقایسه‌ی میزان بالای مرگ و میر مادر و کودک در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر از جمله آمریکا، بیشتر تسلط جهل و خرافات را بر اذهان زنان را آشکار می‌کند. مادرانی که بیماری فرزندان خود را به جای مراجعه به پزشک با دلایلی چون چشم زخم توجیه می‌کنند علت اصلی این رواج خرافات هستند که باید از طریق آموزش آن را برطرف کرد (*عالم نسوان*، سال سوم، شماره ششم، صص ۷-۹). جز خرافات و جهل، به باور آنها مراجعه به «قابله‌های ناآگاه و بی‌سواد» از دیگر علت‌های مرگ و میر مادر و نوزاد در ایران در مقایسه با اروپا و آمریکا است. از این رو باید کوشید افزون بر رفع

این مسئله، جهت افزایش مراقبت‌های بهداشتی پیش و پس از زایمان گام جدی برداشت. در حالی که در کشورهایی چون آمریکا، «مریض‌خانه‌ی مخصوص زنان» تأسیس شده است که قاعدتاً قابل قیاس با روند نامطلوب رایج در ایران یعنی سنت مراجعه به قابله‌های «ناآگاه» نیست (عالم‌نسون، سال هفتم، شماره دوم، صص ۷۲-۷۳). در مقاله دیگری نویسنده‌ای ضمن اشاره به وضعیت مطلوب فعالیت‌های زنان آمریکا و کاهش مرگ‌ومیر مادر و کودک نوشته است:

...ثابت شده که قریب نصف مرگ مادران در موقع وضع حمل به دلیل رعایت نکردن نظافت و ورود میکروب در خون بوده که دلیل اصلی آن عدم مراعات نظافت قابله‌ها در موقع وضع حمل است (عالم‌نسون، سال هفتم، شماره ششم، صص ۲۰۱-۲۰۵).

البته نکته‌ای که نباید از آن غافل بود این است که در تسلط و نفوذ پزشکی‌داری آموزش غربی در دوره‌ی پهلوی نباید اغراق کرد. اما این مسئله را هم نباید نادیده گرفت که به هر حال پزشکی به سبک و سیاق غربی در ایران پیشرفت کرده بود و عرصه را به هم‌تایان سنتی خود همچون قابله‌ها در مقایسه با قبل تنگ کرده بود و مشروعیت بی‌همارودی برای خود رقم زدند (KashaniSabet, 2006: 3, 8). با وجود این این طیبیان سنتی همچنان در ایران نفوذ داشتند و طیفی از زنان برای امور طبابت خود به آنان مراجعه می‌کردند.

## ۵. ضرورت مراقبت از بهداشت زنان و نهادهای مسئول

حال با مسائلی یادشده در جامعه‌ی زنانه، راهکار چیست؟ گذار از خواسته‌های روزنامه‌نگاران زن به قوانین مصوبه و یا تأکید بر جدیت بیشتر دولت برای تأسیس مراکز پزشکی از دیگر رویکردهای این مجله است. در قالب مقالات و نوشته‌هایی، نویسندگان این مجله تلاش کردند تا توجه نهادهای مسئول را به بسط امکانات پزشکی جلب کنند. بر همین اساس افزون بر خانواده که نقش جدی در بهداشت دختران می‌تواند داشته باشد، مدرسه نیز مسئول این مهم است. ورزش مناسب، خواب کافی، لباس مناسب، غذای مقوی و استفاده از قرص آهن از جمله مسائلی است که مجله بر لزوم رعایت آن تأکید کرده است و این از سوی خانواده و مدرسه باید جدی گرفته شود (عالم‌نسون، سال اول، شماره ۱، صص ۳-۵).

اگرچه فرانسه نخستین کشوری بود که عملکرد نظام بهداشتی آن به مثابه الگویی در ایران برای تحول و نوسازی نظام سلامت مطرح شد (کریمی، ۱۳۸۹: ۶۸۷-۶۸۸)، اما در این مجله عمدتاً نظام بهداشت آمریکاست که نویسندگان از تجربه‌های آن سخن می‌گویند. نویسنده یکی از مقالات فهرستی با ذکر نام «مجمع کلپ زنان» آمریکا به اقدامات زنان جهت تصویب قوانینی در مجلس برای بهبود وضعیت زنان اشاره کرده و این قانون را این گونه توضیح داده است: «حفظ‌الصحه و صحت ازدواج و تسهیل و تأمین وسایل طبی برای وضع حمل زنان که ضامن سلامتی مادران و کودکان می‌باشند». نویسنده به طور مفصل به اقدامات این کلپ از جمله تلاش برای کاهش تعداد قابله‌ها و جایگزینی آنها با پرستاران تحصیل‌کرده، ارائه‌ی آموزش‌هایی جهت «تعلیم صحت ازدواج و پرستاری اطفال» و یا گنجاندن «کلاس مادران آتیه» در برنامه‌ی درسی پرداخته است (عالم نسوان، سال هفتم، شماره ششم، صص ۲۰۱-۲۰۵).

مجله عالم نسوان در آخرین سال‌های دولت قاجاری پا گرفت و در دهه اول دولت رضاشاه ادامه یافت. در این فاصله و در سایه‌ی برخی نوسازی‌های پهلوی برخی اقداماتی صورت گرفته بود و گردانندگان مجله ضمن گوشه‌ی چشمی به آن، دستاوردهای حقوقی دیگر را خواهان بود. مجله به برخی از اقدامات «معارفی و حفظ‌الصحه‌ی عمومی» از جمله ضرورت داشتن اجازه‌نامه برای پزشکان و داروسازان، بنای مریض‌خانه‌های جدید، احصا مردگان از سوی اداره‌ی سجل احوال اشاره کرده است. اما تأکید می‌کند که باید سطح مطالبات را توسعه داده و به مسائلی همچون قابلیت هم تسری داد. از این رو دولت باید برای جلوگیری از افزایش آمار مرگ و میر و حفظ نفوس، این امر را در حیطة نظارت خود قرار دهد. به همین جهت، باید رجوع به قابله‌های «بی‌علم»، «محو و نابود» شود. به زعم آنها قرار نیست «هر پیرزن ژنده‌پوش و آواره‌ای که به درد کار دیگر نخورد» مشغول قابلیت شود، زیرا نه از بیماری‌های آگاهی دارند و نه از داروهای ضد عفونی استفاده می‌کنند. به هر حال ایران هم باید همچون «دیگر کشورهای متجدد» همچون اتریش، اجازه‌ی فعالیت بدون تصدیق‌نامه را به آنها ندهد. این قابله‌ها باید پس از پشت سر گذاشتن تحصیلات کافی و آشنایی با «قواعد حفظ‌الصحه» اجازه‌ی کار پیدا کنند (عالم نسوان، سال دهم، شماره ششم، صص ۲۸۴-۲۸۶). به باور این نویسندگان وقتی اخباری مبنی بر مرگ مادر و کودک به واسطه‌ی وجود قابله‌های ناآگاه در کشور به گوش می‌رسد چگونه می‌شود به این وضعیت در سطح برنامه‌ریزی دولتی توجه نکرد؛ امری که روزنامه‌های دیگر همچون اطلاعات هم

مورد توجه قرار گرفته و دولت را موظف به رسیدگی به وضعیتی دانست که در آن قابله‌های ناآگاه مرگ مادر و کودک را رقم می‌زنند (اطلاعات، سال چهارم، شماره ۹۳۵). با وجود تلاش نویسندگان مجله برای ارتقای نگرش و سطح آگاهی جامعه‌ی زنانه درباره‌ی بهداشت و پزشکی مدرن، واکاوی این مقاله‌ها بیانگر این است که رویکرد مجله گاهی سطح بسیار ناچیزی از زنان جامعه را دربرمی‌گیرد. برای مثال مجله در مقالات متعددی به ارائه‌ی توصیه‌هایی برای زنان می‌پردازد که تحقق این توصیه‌ها، افزون بر آگاهی، سطح بالایی از رفاه و آسایش را می‌طلبید که در جامعه‌ی زنانه‌ی عصر وجه هژمونیک نبود. توصیه‌هایی مبنی بر ضرورت شادابی در طول روز، داشتن «تبسمی شیرین در صبح»، بهداشت دندان، خوردن صبحانه با آرامش، ده دقیقه نفس عمیق کشیدن در هر صبح، مستقیم نشستن در پشت میز مدرسه و یا اداره، استفاده از حوله، صابون و سایر لوازم شخصی بیشتر از این که کل جامعه‌ی زنانه را در برگیرد، سطح نازکی از آن را شامل می‌شود (عالم نسوان، سال نهم، شماره ششم، صص ۲۹۴-۲۹۵). جالب اینجاست که روزنامه‌شکوفه هم به بهداشت فردی زنان و دختران تأکید کرده است اما در برخی مقاله‌ها به‌منظور تأکید بر اهمیت بهداشت به سراغ آموزه‌های دینی و توجه پیامبر به این مقوله رفته است (شکوفه، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۳۳، ص ۴).

«زن محبوب» مجله و توصیه‌های بهداشتی شخصی که او باید رعایت کند، جلوه‌ای از همین رویکرد مجله است. در یکی از مقالات ضمن تأکید بر استحمام به موقع و رعایت بهداشت ناخن، دهان و دست و پا به تغییرات زمانه اشاره کرده و چنین آورده است:

... با زندگی‌های متمدن امروزه نه تنها نظافت زندگانی متمدن مشکل است، بلکه لزوم نظافت به درجات لازم از آن موقعی است که مردم آزاده بیرون زندگی می‌کردند و کمتر با هم مانوس بودند. کار کردن در ادارات پرجمعیت مسافرت در ترن‌ها، ملاقات در اتاق جمعیتی، نشستن در تئاترها و همیشه در وسط چهار دیوار بودن و زندگانی در جاهایی که جریان هوا کم است این مسائل ما را مجبور کرد که قوانین نظافت را تغییر بدهیم (عالم نسوان، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۱۱۸-۱۲۹).

جلوه‌ای از این نگرش را در روزنامه‌ی دانش هم می‌توان یافت. در یکی از شماره‌های این روزنامه ضرورت رعایت بهداشت شخصی از جمله مراقبت از پوست دست و صورت و راهکارهای آن درج شده است (دانش، شماره ۶، سال اول، ۱۳۲۸).

پیش تر به تأکیدات نویسندگان مجله به افزون بر مطالبی چون ضرورت گرفتن تصدیق‌نامه‌ی سلامت از مردان برای ازدواج اشاره کردیم. همین موضوع هم سطح بالایی از رفاه و آگاهی را می‌طلبد. افزون بر این، مجله در برخی مقالات به نکوش برخی مدهای روز چون پوشیدن کفش پاشنه‌بلند پرداخته و هشدارهای پزشکی درباره‌ی آن مطرح کرده است که به نوعی بحث سطح بالا بودن سطح رویکردهای مجله را بار دیگر پیش می‌کشد (عالم نسوان، سال ششم، شماره ششم، صص ۱۳-۱۴).<sup>۱۷</sup> در جامعه‌ی زنان‌هی آن عصر نیازهایی از این دست برای قشر قابل توجهی سطح بالا محسوب می‌شدند. بدین ترتیب سطح زنانی که نویسندگان مجله آنان را مخاطب قرار می‌دهد، دایره‌ی تنگ و محدودی را شامل می‌شود. اما موضوع را می‌توان از این منظر بررسی کرد که زنانی از طبقه‌ی اشراف شهری به عنوان عمده‌ی مخاطبان مجله می‌توانستند به مثابه‌ی مرجع عمل کرده و دامنه‌ی تأثیرگذاری خود را بسط دهند.

## ۶. نتیجه‌گیری

گسست از طب سنتی و طرح نگرش‌های جدید به پزشکی و بهداشت یکی از رهاوردهای تجدد و برخورد جامعه‌ی ایرانی عصر قاجاری با غرب بود. نزد نویسندگان عالم نسوان، بهداشت مدرن یکی از راه‌های گذار جامعه زنان از سنت به تجدد بود و آنان با طرح مباحث انتقادی و آگاهی‌بخش به تسهیل این گذار کمک می‌کردند. نویسندگان مجله‌ی عالم نسوان با درک ضرورت آگاهی‌بخشی اجتماعی و بسط مفهوم بهداشت نوین کوشیدند تا علم‌گرایی و خرافه‌ستیزی را به عنوان یکی از مشخصه‌های تجدد جایگزین نگرش سنتی به بهداشت کنند. در این راستا، معرفی بیماری‌ها، به‌ویژه بیماری‌های مقاربتی که مستلزم ورود به قلمروهای عموماً نامکشوف فرهنگ اجتماعی بود، معرفی علائم و نحوه‌ی شیوع این بیماری‌ها، چگونگی درمان و کم‌وکیف پیشگیری از آنها، و نیز بسط مفهوم بهداشت به حوزه‌ی خصوصی و عمومی و تأکید بر ضرورت مراجعه به پزشک موضوعاتی است که مجله عالم نسوان تأکید ویژه‌ای بر آن داشت. بنابراین مجله بر دو مقوله‌ی درمان و پیشگیری به صورت تنگاتنگ در کنار رعایت بهداشت فردی و عمومی تأکید کرده و تلاش کرده است تلقی رایج و سنتی از بیماری را متحول کند. وانگهی این مجله با معرفی بیماری‌ها و مسائل مرتبط با آن و نیز بایستگی عبور از اوام و خرافات در امر بهداشت در جامعه‌ی زنانه، تلاش کرده است با ایجاد آگاهی، دایره‌ی شمول رعایت مسائل بهداشتی را گسترده‌تر کند. البته راهکارهایی که مجله جهت مقابله با بیماری‌ها پیشنهاد می‌کرد، غالباً مستلزم سطح



بالایی از دانش و رفاه اقتصادی بود که طیف کم‌شماری از جامعه زنان را پوشش می‌داد. این واقعیت از یک منظر اجتماعی بیانگر آن است که در اواخر دوره قاجاری و در دهه‌ی اول حکومت پهلوی طیفی هرچند کم‌شمار از زنان متجدد ظهور کرده بودند که از سواد و توانمندی اقتصادی کافی برای تبعیت از اصول و راهکارهای اجتماعی *عالم نسوان* برخوردار بودند. نویسندگان *عالم نسوان* به سهم خود کوشیدند تا با معرفی دستاوردهای پزشکی جدید، مقوله بهداشت را از انحصار جهان اندرونی به عرصه عمومی بکشانند و به مسئله‌ی مهم اجتماع تبدیل کنند. با انتشار چنین روزنامه‌هایی که مهمترین وجه امتیاز آنها نمایندگی یک نگرش و زبان زنانه بود، رخنه در جهان بهداشت سنتی افتاد و با نقد گزاره‌های مسلط آن تلاش شد راه گشایش افق‌های جدید هموار شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. مراد از تنانگی جسم زن در وجهی است که در تیررس نگاه بهداشت و پزشکی قرار می‌گیرد.
۲. بهزاد کریمی پیشینه‌ای دقیق و متقن از پژوهش درباره‌ی پزشکی در اثر خود آورده است، بنگرید به: کریمی، بهزاد، زنان در گفتمان پزشکی ایران، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۵، صص ۵۴-۴۴.
۳. برای آگاهی از این پژوهش‌ها بنگرید به: ببران، صدیقه، نشریات ویژه زنان و سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱؛ صدراشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: نشر کمال، ۱۳۶۴؛ ذاکر حسین، عبدالرحیم، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۴. برخی از پژوهش‌های این نویسنده عبارتند از: کریمی، بهزاد، زنان در گفتمان پزشکی ایران با تکیه بر دوره صفویه؛ «حفظ‌الصحة جدید، چند نکته در باب نوسازی نظام بهداشت و سلامت عمومی در عصر پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش)»، پیام بهارستان، ویژه تاریخ پزشکی، پاییز ۱۳۸۹، صص ۶۸۱-۶۹۱؛ «تاریخ‌نگاری پزشکی مسلمانان: بررسی مطالعات و تحقیقات»، تاریخ و تمدن اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ش ۱۸، صص ۱۴۱-۱۶۱؛ آقاجری، سیدهاشم، بهرنگ صادقی، بهزاد کریمی، «پزشکی مذهبی مسلمانان در سده‌های میانه، ریشه‌ها و مبانی نظری»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۳، ش ۱۰، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱-۲۸؛
۵. رحمانیان، داریوش، آفرین توکلی، «بهداشت و سیاست در دوره‌ی رضاشاه (مطالعه‌ی موردی: قزقینه جنوب)»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۲، ش ۶، زمستان ۱۳۸۹، صص ۶۱-۷۶.

۶. برای آگاهی از این مقالات بنگرید به: منظورالاجداد، سیدمحمدحسین، رقیه قاسمی، «بیماری‌های عمومی در دوره پهلوی اول و اقدامات دولت برای مقابله با آن»، پیام بهارستان، ویژه تاریخ پزشکی، پاییز ۱۳۸۹؛ نیز از همین نویسندگان: «وبا و اقدامات دولت پهلوی اول برای مقابله با شیوع آن (۱۳۰۴-۱۳۲۰)»، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۸؛ باقری، الهه، شهناز خواجه، «نکاتی در باب بهداشت و سلامت عمومی در نشریه شکوفه با تکیه بر سلامت مادر و کودک»، فصلنامه تاریخ پزشکی، پاییز ۱۳۹۳، ش ۲۰، صص ۴۷-۸۲؛ باقری، الهه، مسعود کثیری، «انتشار نشریه دانش؛ گامی جهت مدرنیزه شدن نگرش جامعه نسبت به سلامت عمومی»، فصلنامه تاریخ پزشکی، زمستان ۱۳۹۱، ۱۱۱-۱۳۶؛ هاشمیان، احمد، مجلس «حافظ‌الصحه» یا قدم‌های اولیه برای پایه‌گذاری وزارت بهداشت و درمان در ایران؛ رحمانیان، داریوش، زهرا حاتمی، «کودکی و تجدد در دوره رضاشاه»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۵، ش ۲۰، تابستان ۱۳۹۳، صص ۶۱-۸۴

۷. بنگرید به: امیدپور، زهره، سوسن باستانی، علی رجب‌لو، «تحلیل رویکرد متجددانه‌ی زنان در دوره مشروطیت»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، س ۲۳، دوره‌ی جدید، ش ۲۰، پیاپی ۱۱۰، ۱۳۹۲، صص ۵-۳۳؛ ترابی فارسانی، سهیلا، «زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان (از مشروطه تا پهلوی)»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۶، دوره‌ی جدید، ش ۳۰، پیاپی ۱۲۰، ۱۳۹۵، صص ۶۹-۹۲.

8. Kashani-Sabet, Firoozeh, "The politics of reproduction: Maternalism and women's hygiene in Iran, 1896-1941, *Int. J. Middle East Stud.* 38(2006), pp. 1-29"; "Hallmarks of Humanism: Hygiene and love of Homeland in Qajar Iran", *The American Historical review*, Vol. 105, No. 4(Oct., 2000), pp. 1171-1203.

۹. در رابطه با آشنایی ایرانیان با پزشکی نوین و تحول دانش و گفتمان پزشکی در ایران عصر قاجار تحقیقات هرمز ابراهیم نژاد اهمیت ویژه‌ای دارد:

Ebrahimmijad, 1998: pp. 69-95; Idem, 2004: 31-36; Idem: 2014, pp. 15-86.

برای یک توصیف کنایی از مواجهه طبیبان دوره قاجاریه با دانش پزشکی نو بنگرید به: موریه، ۱۳۵۴: ۱۹۰-۲۰۷

10. Hygiene movement

۱۱. برای نمونه بنگرید به: عالم نسوان، سال اول، شماره سوم، صص ۳۴-۳۵.

۱۲. این اطلاعات در مجله‌ی بلدییه (۱۵ دی ۱۳۰۶ / ۶ ژانویه ۱۹۲۸) درج شده است. در این جا از مقاله‌ی کاشانی ثابت گرفته شده است.

۱۳. نیز با همین مضمون یعنی ضرورت گرفتن «تصدیق‌نامه‌ی» سلامت از مردان جهت مقابله با بیماری‌های مقاربتی، مقاله‌ای در یکی دیگر از شماره‌ها آمده است. بنگرید به: عالم نسوان، سال دوم، شماره ششم، صص ۱۸-۲۰. همچنین در مقاله‌ی دیگر هم ضرورت آگاهی از سلامت جسمی مرد برای جلوگیری از ابتلای زن به بیماری سیفیلیس و استخوان درد اشاره شده است و در ادامه به تصویب قانونی در مصر اشاره کرده که سن قانونی را ۱۶ سال قرار داده است. بنگرید به: عالم نسوان، سال چهارم، شماره اول، صص ۲۷-۲۹. در شماره‌ای دیگر هم نویسنده‌ای چهار راه انتقال بیماری سیفیلیس را برشمرده و سپس چهار راه مقابله با آن را پیشنهاد کرده است. نویسنده ضمن این راهکارها به زنان هشدار داده است که پیش از ازدواج از این موضوع اطمینان حاصل کنند. بنگرید به: عالم نسوان، سال پنجم، شماره دوم، صص ۳۶-۳۸.
۱۴. همچنین مجله در مقاله‌ی دیگری به احتمال انتقال بیماری سوزاک و سیفیلیس از مادر به کودک هم اشاره کرده است. بنگرید به: عالم نسوان، س ۱، ش ۴، صص ۱۱-۱۰.
۱۵. همچنین یکی دیگر از مقالات مجله به ضرورت رعایت بهداشت با مراجعه به پزشک در طول دوره‌ی بارداری تأکید کرده است. بنگرید به: عالم نسوان، سال چهارم، شماره چهارم، ص ۱۱.
۱۶. البته ضرورت پیشگیری از بیماری در روزنامه درباره‌ی بیماری‌هایی چون سرماخوردگی هم در این روزنامه جلوه یافته است و نویسندگان تلاش کرده‌اند تا با برشمردن راهکارهای پیشگیری از این گونه بیماری‌ها هم جلوگیری کنند و یا دست کم این آگاهی را منتقل کنند (عالم نسوان، س ۷، ش ۱۱، صص ۴۰۱-۴۰۴).
۱۷. نیز درباره‌ی همین مسائل بنگرید به: عالم نسوان، سال نهم، شماره سوم، صص ۱۳۲-۱۳۴؛ عالم نسوان، سال دوم، شماره اول، صص ۲۴-۲۵. همچنین مقاله‌های فراوانی در این مجله وجود دارد که بر ورزش و تغذیه‌ی مناسب تأکید کرده است، بنگرید به: عالم نسوان، سال اول، شماره ۱، صص ۷-۹؛ سال چهارم، شماره اول، صص ۶-۸؛ سال چهارم، شماره پنجم، صص ۳-۴؛ سال ششم، شماره سوم، ص ۲۷.

## کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۷۸)، امیرکبیر و ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ هشتم.
- آقاجری، سیدهاشم، بهرنگ صادقی، بهزاد کریمی (۱۳۹۰)، «پزشکی مذهبی مسلمانان در سده‌های میانه، ریشه‌ها و مبانی نظری»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۳، ش ۱۰، صص ۱-۲۸.
- امیدی‌پور، زهره، سوسن باستانی، علی رجبلو (۱۳۹۲)، «تحلیل رویکرد متجددانه‌ی زنان در دوره‌ی مشروطیت»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، س ۲۳، دوره‌ی جدید، ش ۲۰، پیاپی ۱۱۰، صص ۵-۳۳.

- باقری، الهه، شهناز خواجه (۱۳۹۳)، «نکاتی در باب بهداشت و سلامت عمومی در نشریه شکوفه با تکیه بر سلامت مادر و کودک»، فصلنامه تاریخ پزشکی، ش ۲۰، صص ۴۷-۸۲.
- باقری، الهه، مسعود کثیری (۱۳۹۱)، «انتشار نشریه دانش؛ گامی جهت مدرنیزه شدن نگرش جامعه نسبت به سلامت عمومی»، فصلنامه تاریخ پزشکی، صص ۱۱۱-۱۳۶.
- بیران، صدیقه (۱۳۸۱)، نشریات ویژه زنان و سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۵)، «زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان (از مشروطه تا پهلوی)»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۶، دوره‌ی جدید، ش ۳۰، پیاپی ۱۲۰، صص ۶۹-۹۲.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ اول.
- حاتمی، زهرا (۱۳۹۵)، تاریخ کودکی در ایران (از آغاز عصر ناصری تا پایان دوره رضاشاه)، تهران: نشر نگاه، چاپ اول.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ذاکرحسین، عبدالرحیم (۱۳۷۵)، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رحمانیان، داریوش، آفرین توکلی (۱۳۸۹)، «بهداشت و سیاست در دوره‌ی رضاشاه (مطالعه‌ی موردی: قرنطینه جنوب)»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۲، ش ۶، صص ۶۱-۷۶.
- رحمانیان، داریوش، زهرا حاتمی (۱۳۹۳)، «کودکی و تجدد در دوره‌ی رضاشاه»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۵، ش ۲۰، صص ۶۱-۸۴.
- روستایی، محسن (۱۳۸۲)، تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجاری تا پایان عصر رضاشاه) به روایت اسناد، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۴)، تاریخ جرایم و مجلات ایران، اصفهان: نشر کمال.
- فلور، ویلم (۱۳۸۶)، سلامت مردم در ایران قاجاری، ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- کریمی، بهزاد (۱۳۹۵)، زنان در گفتمان پزشکی ایران با تکیه بر دوره صفویه، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- کریمی، بهزاد (۱۳۸۹)، «حفظ‌الصحه جدید، چند نکته درباب نوسازی نظام بهداشت و سلامت عمومی در عصر پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش)»، پیام بهارستان، ویژه تاریخ پزشکی، صص ۶۸۱-۶۹۱.
- کریمی، بهزاد (۱۳۹۲)، «تاریخ‌نگاری پزشکی مسلمانان: بررسی مطالعات و تحقیقات»، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۸، صص ۱۴۱-۱۶۱.

کولیور رایس، کلارا (۱۳۸۳)، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، تهران: نشر کتابدار.

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۶۸؛ ۱۳۷۰)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، به کوشش کریم اصفهانیان و جهانگیر قاجاریه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱ و ۳.

منظورالاجداد، سیدمحمدحسین، رقیه قاسمی (۱۳۸۹)، «بیماری‌های عمومی در دوره پهلوی اول و اقدامات دولت برای مقابله با آن»، پیام بهارستان، ویژه تاریخ پزشکی.

منظورالاجداد، سیدمحمدحسین، رقیه قاسمی (۱۳۸۸)، «ویا و اقدامات دولت پهلوی اول برای مقابله با شیوع آن (۱۳۰۴-۱۳۲۰)»، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال اول، شماره اول.

موریه، جیمز (۱۳۵۴)، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ترجمه میرزاحبیب اصفهانی، به کوشش یوسف رحیم‌لو، تبریز، انتشارات حقیقت.

میلائی، عباس (۱۳۷۸)، تجدید و تجدیدستیزی در ایران (مجموعه مقالات)، تهران: نشر اختران.

ناطق، هما (۱۳۷۵)، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، چاپ اول، پاریس: انتشارات خاوران.

نوابی، عبدالحسین (۱۳۷۷) ایران و جهان، جلد دوم، تهران: انتشارات هما.

هاشمیان، احمد، مجلس «حافظ‌الصحه» یا قدم‌های اولیه برای پایه‌گذاری وزارت بهداشت و درمان در ایران».

## نشریات

اطلاعات؛

دانش؛

جمعیت نسوان و طنخواه ایران؛

شکوفه؛

عالم نسوان.

- Ebrahimnejad, Hormoz, (2014) *Medicine in Iran, Profession, Practice and Politics 1800-1925*, Macmilan, Palgrave, 2014;
- Ebrahimnejad, Hormoz, (2004) *Medicine, Public Health and the Qajar State, Patterns of Medical Modernization in Nineteenth Century Iran*, Leiden & Boston, Brill: 2004;
- Ebrahimnejad, Hormoz, (1998) "Introduction de la médecine européenne en Iran au XIXe siècle", *Science Sociales et santé*, Vol. 16, n°4, 1998, pp. 69-96;
- Kashani-Sabet, Firoozeh, (2006) "The politics of reproduction: Maternalism and women's hygiene in Iran, 1896-1941", *Int. J. Middle East Stud.* 38, pp. 1-29";
- Ebrahimnejad, Hormoz, "Hallmarks of Humanism: Hygiene and love of Homeland in Qajar Iran", *The American Historical Review*, Vol. 105, No. 4(Oct., 2000), pp. 1171-1203.
- Magner, Lois, N., (2005) *A History of Medicine*, second edition, Taylor & Francis Group,